



مراقبت از کودکان خردسال در مهد

در نظام تعلیم و تربیت، کودکان خردسال از زمانیکه سه ساله می شوند مورد توجه مراکز مهد کودک قرار می گیرند. این مراکز تربیتی به کودکان فرصت می دهند تا با دیگران بازی کرده و توانائیهای حسی و حرکتی خود را پرورش دهند و سازگاری اجتماعی و همکاری جمعی را یاد بگیرند. مهد کودک امکانات بسیار زیاد و فضای بیشتری نسبت به خانه برای بازی در دسترس فعالیت کودکان قرار می دهد. کودک در مهد کودک یاد می گیرد تا برای ساعتها دور از خانه بسربرد، با بچه های دیگر بازی کند و اندکی انضباط دور از خانواده را فرا گیرد.

در مهد کودک بسیاری از فعالیتها بایستی حول محور بازی متمرکز باشد چون کودکان خردسال در این مرحله از تحول یادگیری های خود را از خلال بازیها بهتر از کتاب دریافت می کنند. دریک مهد کودک خوب، تلاشی برای انتقال تعلیمات رسمی نمی شود و مراقبین، آموزشهای فردی و اجتماعی را از طریق بازیهای گروهی و سایر فعالیتها تدریجاً به بچه ها منتقل می نمایند. امروزه اینگونه آموزشهای مقدماتی به کودکان ۳ تا ۵ ساله در سالهای اولیه رشد بسیار مفید تشخیص داده شده و مورد توجه قرار گرفته اند زیرا مادران با سپردن کودکان به مهد کودک فرصت لازم و کافی برای شرکت در فعالیت های اجتماعی را خواهند یافت.

هنگام سپردن کودکان به مهد کودک رعایت نیازهای عاطفی بچه ها بیش از هر چیز اهمیت داشته و ارضای این نیازها توسط والدین و مربیان لازم و ضروری است. این نیازها اگر با ملایمت ارضا نشده و سرکوب شوند ضربات جبران ناپذیری بر شخصیت کودک وارد می شود که اثرات تلخ آن در بزرگسالی ظاهر خواهد شد.

بنابراین والدین بهتر است در مراحل اولیه و گذاری بچه به مهد کودک خود مسئولیت بردن و آوردن او را به عهده بگیرند و حتی المقدور ازرها کردن او در حالت گریه و اضطراب شدید خودداری نمایند و اگر چنانچه بخاطر انجام کارهای شخصی و شغلی قادر به رعایت این وظیفه نمی باشند لااقل سعی کنند هنگام برگشتن کودک در منزل باشند تا بچه احساس بی پناهی و تنهایی ننماید. و برای جبران اوقات دوری از والدین راههایی را جستجو کنند تا کودک مدت زمان بیشتری در کنار آنان باشد.

● **مصطفی خواجه زاده**

■ ترجمه و اقتباس از کتاب:

A DICTIONARY OF BABY AND CHILD CARE,
CHILD CARE,
DR. SHANTI GHOSH
SIXTH EDITION, 1988
P (135-139)

کودک

● وظیفه مربیان در قبال فرزندان

مربیان با شرکت دادن بچه ها در بازیهای گروهی

* والدین در مورد چیزهایی مثل آماده نکردن بموقع کودک برای رفتن به آموزشگاه و عدم جمع‌آوری کتابها، مدادها، جورابها و کیف و غیره که موجب تأخیر او شده و ذهن بچه را در مهد کودک دچار اغتشاش و گرفتاری می‌نماید مسئول هستند.

احساسات، عواطف و هیجانات آنان را جهت داده، کودکان را با دوستان آشنا می‌کنند و رشد آگاهیهای فردی و اجتماعی آنان را سبب می‌شوند.

مهد کودک‌ها با ارائه خدمات خود و فراهم نمودن لوازم و اسباب‌بازیهای متنوع نقش ارزنده‌ای را در این زمینه ایفا می‌کنند. بچه‌ها در خلال بازیها بسیاری از نکات انضباطی و بهداشتی را فرا گرفته و چگونگی سروکار داشتن با بچه‌های دیگر و بزرگسالان با شخصیت‌های مختلف را یاد می‌گیرند. آنها می‌آموزند که چگونه از همکاری با دیگران و حل تعارضاتشان لذت ببرند و با همسالان سازگاری اجتماعی داشته باشند. همچنین حفظ تعادل، مهارتهای بدنی، رعایت نوبت و همکاری جمعی را در میدان بازی و برروی وسایلی مثل تاب، سرسره، سه چرخه، آکلتنگ و غیره یاد می‌گیرند.

در یک مهد کودک یا مرکز نگهداری روزانه خوب مربیان تلاش می‌کنند تا حس تعاون و همکاری جمعی، قوه ابتکار و خلاقیت کودکان را پرورش دهند و به بچه‌ها نه فقط برای رفتن به مدارس رسمی کمک کنند بلکه از لحاظ اجتماعی، هیجانی و هوشی آنان را تقویت کرده و سازگاری اجتماعیشان را برای دوران بزرگسالی پایه‌ریزی نمایند.

● ثبت نام در کلاسهای آمادگی

در بسیاری از کودکانها و دبستانها بچه‌ها را در پنج سالگی در کلاسهای آمادگی می‌پذیرند. در هنگام ثبت نام والدین برای پذیرش فرزندان در یک آموزشگاه خوب تلاش فراوان می‌کنند ولی کمتر در این زمینه توفیق حاصل کرده ناگزیر به آنچه قابل دسترس است اکتفا می‌نمایند.

روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت برای کاهش اضطراب و تأمین سلامت روانی کودکان خردسال و پاسخ به سؤالات متعدد والدین توصیه‌های ارزشمندی را ارائه می‌دهند که برخی از این توصیه‌ها عبارتند از:

* هنگام سپردن بچه به مهد کودک یک معاینه دقیق پزشکی همراه با اجرای آزمونهای بینایی و شنوایی لازم و ضروری است و چنانچه بچه خسته و بی‌حال بنظر می‌رسد مراجعه به پزشک و اطمینان از سلامتی جسمی و صحت بینایی و شنوایی امری اجتناب‌ناپذیر است.

— قبل از هر چیز بهتر خواهد بود اگر والدین با برحرفی و شرکت در بحث‌های کودکانه مقدمات سپردن کودک را به مهد کودک یا کودکستان فراهم نمایند.

— توجیه کودکان هنگام تماشای بچه‌هایی که در حال رفت و آمد از مدرسه هستند، زمینه مساعدی برای آغاز مرحله نوین آموزشگاهی می‌باشد.

— مراقبت از کودکان اول خانواده که معمولاً نگران و خجالتی هستند و هر تغییر اجتماعی را بسادگی نمی‌پذیرند قابل توجه است. ولی اگر کودک خواهر یا برادر بزرگتر داشته باشد جای نگرانی نیست زیرا به احتمال قوی او بسیار مشتاق خواهد بود تا با آنها به مهد کودک برود.

— تهیه نوشت افزار، کفش، کیف و لباس و شرکت دادن کودکان در خرید اینگونه وسایل در پذیرش کودکان به عنوان محیط اجتماعی جدید نقش بسزایی دارد.

— مراجعه به آموزشگاه مورد نظر و بررسی کیفیت آموزشی و موارد دیگر به همراه کودک، ترس و نگران بچه‌ها را کاهش می‌دهد.

— شاید مادران شاغل و آنانی که مترصد فرصتهایی برای انجام کارهای ضروری هستند از سپردن بچه به مهد کودک راضی باشند ولی بایستی حداقل به این نکته با اهمیت توجه داشته باشند که در آغاز فعالیت مهد کودک باید به شیوه‌ها و ابتکارانی متوسل شد تا اضطرابهای کودکانه تدریجاً تقلیل یافته زمینه سازگاری با محیط جدید فراهم گردد.

● هراس کودکان از مهد کودک

بسیاری از اضطرابهای کودکان به سطح سواد، نگرش و طرز عمل والدین در محیط خانه و عملکرد مربیان و مدیران در محیط مهد کودک بستگی دارد. گاهی اوقات بچه از یک محیط آزاد، خوشحال و عاطفی وارد یک مهد کودک سخت‌گیر و مقرراتی و شلوغ می‌شود که در آن آموزشگاه ساعتها وقت مربیان

وسر نوشت ساز در منزل باشند و این اوقات را به او اختصاص دهند در باز کردن درب منزل به او کمک کنند، لحظات آرامبخشی برای او فراهم نمایند تا بچه هر مشکل خود را در آموزشگاه با آنها در میان بگذارد. نباید قبل از فرصت سلام دادن فرزند را به تعویض فوری لباسها و کندن کفشهایش وادار نمود. بلکه بااستی با ملایمت اندکی آسایش و استراحت (به حالت درازکش) برایش در نظر گرفت. در این فرصت او را نوازش کرده راجع به دوستان، بازیها و شادیهایش بررسی و جو نمود تا شرایط محیط آموزشگاه و شرایط روحی فرزند بهتر شناخته شود.

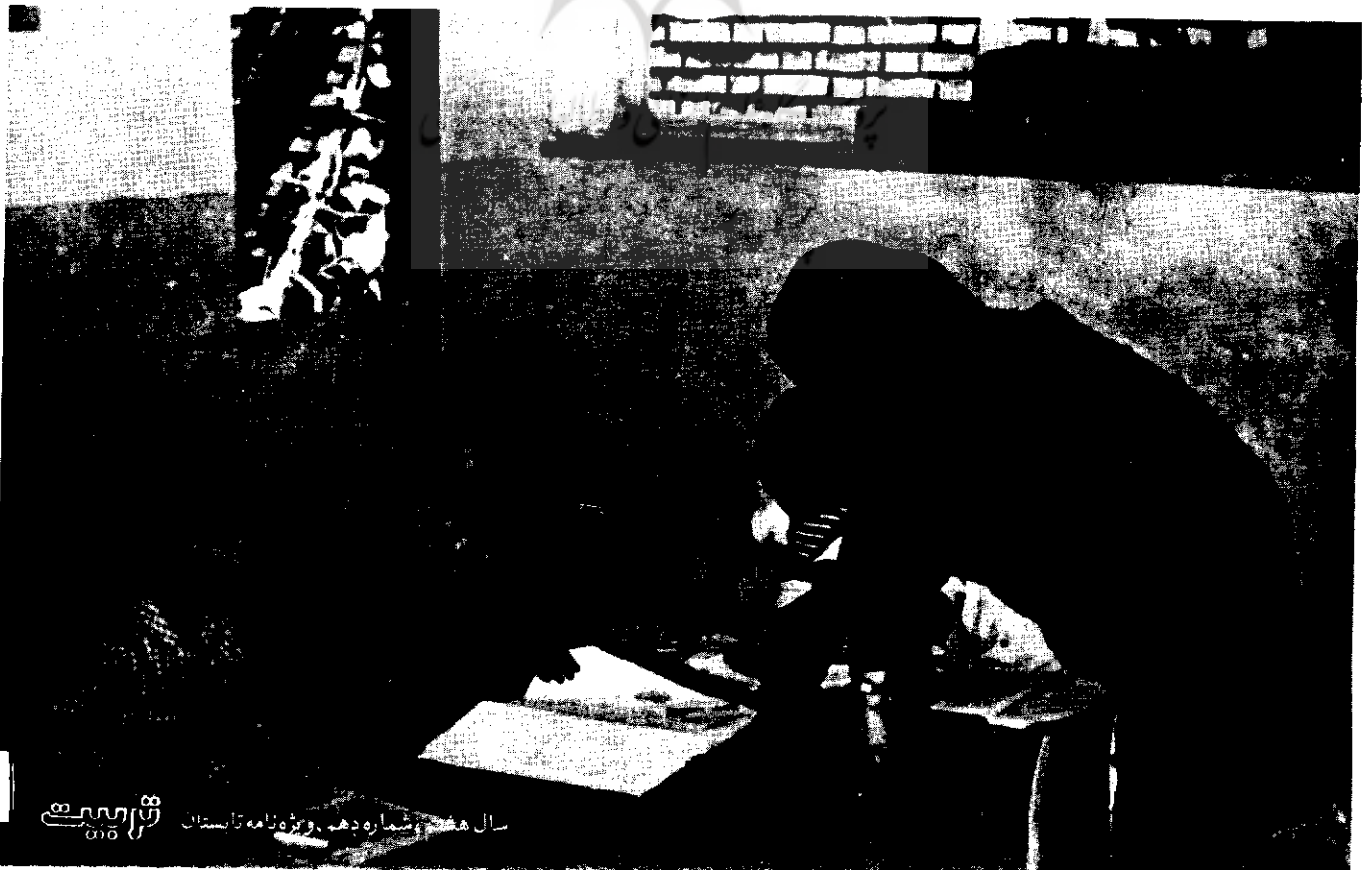
والدین در مورد چیزهایی مثل آماده نکردن بموقع کودک برای رفتن به آموزشگاه و عدم جمع آوری کتابها، مدادها، جورابها و کیف و غیره که موجب تأخیر او شده و ذهن بچه را در مهد کودک دچار اغتشاش و گرفتاری می نماید مسئول هستند. ونبایستی به گونه ای عمل نمایند تا کودک مورد سرزنش و نکوهش مربیان قرار گیرد بلکه به عکس او را یاری کنند تا از عهده درخواست های مربیان بخوبی برآمده انضباط و مقررات مهد کودک را رعایت نماید.

همچنین باید فرصت های ملاقات با مربیان مهد کودک را مغتنم شمرده، جزء برنامه کاری خود قرار دهند. زیرا این ملاقات ها کمک خواهد کرد تا از پیشرفت درسی یا هر مشکل کودک خود مطلع شوند و با همکاری و یاری مربیان دلسوز به رفع آن پردازند.

صرف رعایت مقررات و نظم و انضباط می شود. بنابراین بسیار طبیعی خواهد بود اگر کودک در این شرایط از رفتن به مهد کودک خودداری کرده و از حضور در آموزشگاه هراسان باشد. اضطراب زدایی هر کودک خردسال یک روش تربیتی خاص و یک مربی دلسوز منحصر به فرد را می طلبد. هراس از مهد کودک با اندکی کاردانی، پشتکار و شکیبایی مربیان حل می شود و چه بسا که یک حرف درگوشی، و قول و قرار معلم مشکل گشا باشد.

کودکی که بر نرفتن به مدرسه اصرار می ورزد اشکالی نخواهد داشت اگر به جای فشار و اصرار برای رفتن به مهد کودک یک یا چند روزی در منزل بماند. گاهی اوقات ممکن است زورگویی ها و فشارهای جسمی و فیزیکی والدین هنگام بیدار کردن کودک در صبحها، رساندنش به اتوبوس یا مدرسه و دبر آوردنش به منزل موجبات ناخوشایندی و تنفر او را نسبت به مهد کودک فراهم نماید هر چند کودک از شرح کامل ناراحتیهای خود عاجز است. بعضی از بچه های ۴ تا ۵ ساله برای فراگیری چهار ساعت آموزش در مهد کودک گاهی به مدت ۶ تا ۷ ساعت دور از منزل بسر می برند و این بیشتر در شهرهای بزرگ و بخاطر دوری مسافت، مشکلات اتوبوس و ترافیک و غیره است.

بچه هنگام برگشتن از مهد کودک بی صبرانه احساس نیاز می کند تا راجع به وقایع تلخ و شیرین روزانه اش حرف بزند. والدین باید سعی کنند در این لحظات شادی آفرین



● انتظارات بجا و نابجای والدین

بینایی و شنوایی لازم و ضروری است و چنانچه بچه خسته و بیحال بنظر می رسد مراجعه به پزشک و اطمینان از سلامتی جسمی و صحت بینایی و شنوایی امری اجتناب ناپذیر است.

● آموزشهای کمکی والدین

مواد آموزشی درمهد کودکها و کودکانها بسیار متنوع است و براساس پژوهشهای جدید سالانه تغییر می کند. بچهها معمولاً چیزهایی در این آموزشگاهها یاد می گیرند که ما، در گذشته هرگز یاد نمی گرفتیم. گاهی انسان در شگفت است که آیا این خط مشی واقعاً برای کودک ضروری و مورد نیاز است؟ طرحهای توسعه برنامه ریزی درسی همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده و تا اندازه ای انجام تکالیف مهارتی را جانشین تعلیمات آموزشگاهی کرده است. در حالیکه روشهای تعیین تکلیف برای نوآموزان در بیشتر آموزشگاهها همچنان به صورت سنتی، کاملاً دشوار و متفاوت عرضه می شود. متأسفانه آموزشگاهها از والدین انتظار توقع دارند که کودکان را در انجام تکالیف یاری نمایند. به همین منظور برخی از والدین مقرراتی، درخواست های مربیان آموزشگاه را درست پذیرفته و کودک را بیش از حد توقع آنان به انجام تکالیف تکراری وادار می نمایند. گاهی نیز بگونه ای افراطی کودک را با دانشهایی بیش از حد نیاز آشنا می سازند. از این بدتر گاهی والدین بخاطر سطح پایین سواد یا عدم آشنایی با روشهای آموزشی، کودکان را به گونه ای غیر استاندارد در انجام تکالیف یاری می دهند و موجبات سردرگمی بچه ها و مربیان را ایجاد می کنند.

برخی نیز ابراز هنرمندی کرده خودشان تکالیف بچه هایشان را انجام می دهند بطوریکه تمرینات صحیح و مرتب و نقاشیها کاملاً هنرمندانه و مبرا از هرگونه عیب و نقص است! شایان ذکر است که این قبیل شیوه های کمک آموزشی والدین به کودکان نه تنها کمکی به پیشرفت تحصیلی فرزندان نمی کند که به تعارضات و تضادهای آموزشی اولیا و مربیان دامن می زند.

در روشهای آموزشی جدید تکالیف تحمیلی به نوآموزان به حداقل ممکن کاهش یافته است و بچه ها درمهد کودکها آزادانه اسباب بازیها را انتخاب و دستکاری می کنند و هرگونه اعمال سلیقه و تعیین تکالیف مجاز نیست. بچه ها تمام مهارت های عملی را درمهد کودکها فرا می گیرند و والدین هیچگونه مسئولیت مستقیمی در یادگیری این مهارت ها ندارند و ازدور صرفاً تماشاگر پیشرفتهای آموزشی و اجتماعی فرزندانشان هستند.

بدران و مادران طبعاً می خواهند که فرزندشان عملکرد تحصیلی خوبی داشته باشد و درمهد کودک اولین جواز را از آن خود نماید و به همین خاطر دوست دارند با احساس مباحثات و سربلندی بگویند «او همیشه شاگرد اول است!» این احساس غیر منطقی یک استرس و فشار ترس آور و اضطرابی در بچه ایجاد می کند و او را وادار به تلاش و تقلا ی افراطی می نماید تا مبادا رتبه پائینی را کسب کرده باشد. اما همیشه باید این نکته را بخاطر داشت که در کلاس فقط یک نفر نمره اول خواهد شد. البته توقعات و انتظارات در جای مناسب خود قابل تقدیر و ستایش است و بهتر است که به فعالیت های آموزشگاهی بعد مولکول شود.

درمهد کودکها فعالیت های حسی - حرکتی و کلامی کودکان مورد توجه مربیان است و اگر کودک یاد می گیرد شعر و دکلمه ای را بسراید یا قصه، داستان و خاطره ای را تعریف کند یا در بازیهای گروهی شرکت کرده حق دیگران را رعایت می نماید باید احساس شادمانی و غرور و افتخار کرد. ولی اگر بچه بنابه دلایل متعددی نمی تواند خود را با دیگر همسالان، همساز و هماهنگ نماید شاید بخاطر انتظارات افراطی والدین اعتماد به نفس خویش را از دست داده باشد یا حمایت های بیش از حد، او را از فعالیت های استقلال طلبانه باز داشته است. گاهی ممکن است کودک در ارتباط با همکلاسان، مربیان و پیش آمدهایی درمهد کودک دچار مشکل شده باشد یا اینکه بخاطر مشکلاتی در منزل از قبیل وادار کردنش به انجام کار در خانه، مقایسه تحقیرآمیزش با یکی دیگر از اعضای خانواده یا دیگران، از لحاظ پائین بودن سطح فعالیت و پیشرفت درسی دچار احساس حقارت شده تا حدی که او را عصبی، تند مزاج، کسل و خسته نموده از هر چه مدیر، معلم و آموزشگاه متنفر کرده باشد. شاید او بخاطر ضعف بینایی قادر به دیدن درست تخته سیاه نباشد و یا نقص شنوایی مانع از پیشرفت تحصیلی و سرعت یادگیری او شده باشد. بنابراین هنگام سپردن بچه به مهد کودک یک معاینه دقیق پزشکی همراه با اجرای آزمونهای

در روشهای آموزشی جدید تکالیف تحمیلی به نوآموزان به حداقل ممکن کاهش یافته است و بچه ها درمهد کودکها آزادانه اسباب بازیها را انتخاب و دستکاری می کنند و هرگونه اعمال سلیقه و تعیین تکالیف مجاز نیست. بچه ها تمام مهارت های عملی را درمهد کودکها فرا می گیرند و والدین هیچگونه مسئولیت مستقیمی در یادگیری این مهارت ها ندارند و ازدور صرفاً تماشاگر پیشرفتهای آموزشی و اجتماعی فرزندانشان هستند.